



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱ اسفند ۱۳۹۱
مصادف با: ۸ ربیع الثانی ۱۴۳۴
جلسه: ۲۴

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه
موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام - مشایخ ثقات
سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تا اینجا درباره مشایخ ابن ابی عمیر و صفوان که ادعای اتفاق بر ضعف آنها شده بود بحث شد و معلوم شد نه تنها اتفاق در ضعف آنها نیست و معارض دارند بلکه احتمال وثاقت آنها، احتمال دور از ذهنی نیست و بعضی از افرادی هم که ضعفشان مورد اتفاق نبود مورد بررسی قرار گرفت.

مشایخ بزنی:

اما در مورد مشایخ بزنی هم مثل ابن ابی عمیر و صفوان، بعضاً قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» را به کسانی که تضعیف شده‌اند نقض کرده‌اند. احمد بن محمد بن ابی نصر بزنی (م. ۲۲۱ ه. ق.) هم امام موسی بن جعفر (ع) و هم امام رضا (ع) را درک کرده و از بزرگان اصحاب ائمه (ع) و از فقهاء آنهاست، مشایخ بزنی حدود ۱۱۵ نفرند که به گفته مرحوم آقای خوبی ۵۳ نفر ثقه و باقی مانده مهمل یا مجهولند و تعداد کمی هم ضعیفند. عمده نقض قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» به کسانی است که مورد تضعیف واقع شده‌اند. چند نفر از کسانی که تضعیف شده و از بقیه مهمتر هستند را ما مورد بررسی قرار می‌دهیم ببینیم آیا این نقض که از طرف مرحوم آقای خوبی و شهید صدر وارد شده درست است یا نه؟

۱- عبدالله بن محمد شامی

تنها کسی که این شخص را تضعیف کرده، آنهم نه به صراحت، نجاشی است، نجاشی در ترجمه مؤلف کتاب نوادر الحکمة مطلبی دارد که تضعیف عبدالله بن محمد شامی محسوب می‌شود. مؤلف کتاب نوادر الحکمة محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی است، نجاشی در مورد این شخص می‌گوید: «کان ثقةً فی الحدیث الا ان اصحابنا قالوا کان یروی عن الضعفاء و یعتمد المراسیل و لایبالی عن اخذ»^۱ محمد بن احمد بن اشعری قمی در حدیث ثقه بوده، الا اینکه اصحاب ما می‌گویند از ضعف روایت کرده و به مراسیل اعتماد می‌کرده و اهمیت نمی‌داده که روایت را از چه کسی اخذ می‌کند، در ادامه می‌گوید بعضی از کسانی که این شخص از آنها روایت نقل کرده از ضعف بوده‌اند و عبدالله بن محمد شامی را در زمره کسانی می‌آورد که مؤلف کتاب نوادر الحکمة از این افراد ضعیف روایت نقل کرده است. این عبارت تنها چیزی

۱. رجال نجاشی، رقم ۹۳۹.

است که در رجال نجاشی وارد شده است. حال باید ببینیم آیا این کلام نجاشی باعث نقض قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» می‌شود؟

به نظر می‌رسد این نقض وارد نیست؛ چون:

اولاً: خود نجاشی به صراحت این شخص را تضعیف نکرده بلکه می‌گوید اصحاب ما درباره صاحب نوادر الحکمة می‌گویند او از بعضی از ضعفاء مثل عبدالله بن محمد شامی روایت نقل کرده است اما خود نجاشی صراحتاً چیزی درباره عبدالله بن محمد شامی چیزی نگفته است، همچنین شخص دیگری از بزرگان رجال هم درباره او چیزی نگفته است.

ثانیاً: دو نفر به نام عبدالله بن محمد شامی وجود دارند؛ یکی همین شخصی است که صاحب نوادر الحکمة از او روایت نقل کرده است یعنی در واقع شیخ محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی است و محمد بن یحیی شاگرد عبدالله بن محمد شامی بوده است و دیگری شخصی است که بزنی از او روایت نقل کرده است و بین این دو نفر دو واسطه وجود دارد، عبدالله بن محمد شامی که صاحب نوادر از او روایت نقل کرده شاگرد احمد بن محمد بن عیسی است و احمد بن محمد بن عیسی هم شاگرد بزنی است و از بزنی روایت نقل کرده و بزنی هم از عبدالله بن محمد شامی روایت نقل کرده است. اینجا بین عبدالله بن محمد شامی اول و عبدالله بن محمد شامی دوم دو واسطه وجود دارد که عبارتند از: احمد بن محمد بن عیسی و بزنی، حال با وجود اینکه دو نفر به نام عبدالله وجود دارند و آن عبدالله بن محمد شامی که در رجال نجاشی تضعیف شده آن کسی است که شیخ صاحب نوادر الحکمة است و غیر از عبدالله بن محمد شامی است که بزنی از او روایت نقل کرده است بنابراین تضعیفی درباره عبدالله بن محمد شامی وجود ندارد لذا این نقض وارد نیست.

۲- حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی

ما قبلاً در مورد خود علی بن ابی حمزه بطائنی که از مشایخ ابن ابی عمیر و صفوان بود بحث کردیم و در آنجا به مناسبت به پسرش هم که حسن بن علی بن ابی حمزه باشد اشاره‌ای کردیم، عبارتی درباره حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی وارد شده که در آن عبارت به شدت تضعیف شده است، تنها کسی که حسن بن علی بن ابی حمزه را تضعیف کرده کَشّی است، کَشّی از ابن مسعود عیاشی روایت کرده و او هم از قول علی بن حسن بن فضال می‌گوید: «ابن ابی حمزه کذاب ملعونٌ قَدْ رَوَيْتُ عَنْهُ أَحَادِيثَ كَثِيرَةً، وَ كَتَبْتُ تَفْسِيرَ الْقُرْآنِ كُلَّهُ مِنْ أَوْلَاهِ إِلَى آخِرِهِ، إِلَّا أَنِّي لَا أَسْتَحِلُّ أَنْ أَرُوِيَ عَنْهُ حَدِيثًا وَاحِدًا»، ما قبلاً در مورد علی بن ابی حمزه بطائنی بحث کردیم و گفتیم این عبارت کَشّی که مورد استناد بعضی قرار گرفته و گمان کرده‌اند این عبارت درباره علی بن ابی حمزه گفته شده به قرائن و شواهدی درباره حسن بن علی بن ابی حمزه می‌باشد لذا مشکله علی بن ابی حمزه بطائنی را حل کردیم، حال اگر به همان قرائن و شواهد بگوییم این عبارت در مورد حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی وارد شده است بنابراین طبق این عبارت که نقل شد حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی تضعیف شده است.

۱. رجال کَشّی، ص ۳۴۵.

حال باید ببینیم آیا حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی که از مشایخ بزنی است و بزنی از او روایت نقل کرده، ضعیف است یا نه؟

به نظر می‌رسد نقض به حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی هم بر قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» وارد نباشد چون:

اولاً: این مطلب را فقط کسّی گفته و نه نجاشی و نه شیخ طوسی درباره حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی چنین سخنی را نگفته‌اند لذا اصلاً محتمل است که این شخص از نظر بزنی ثقة بوده و یا حداقل در زمان تحمل حدیث ثقة بوده و بعداً تبدل حال پیدا کرده و اهل کذب شده یا دینش را عوض کرده است چون حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی هم مثل پدرش به وقف، شهرت پیدا کرده است یعنی در امامت موسی بن جعفر (ع) توقف کرده‌اند و به امامت امام رضا (ع) معتقد نشده‌اند و ممکن است این امر موجب شده، عیّاشی او را تضعیف کند.

ثانیاً: در مورد خود حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی هم روایات معارضی وارد شده؛ مثلاً گفته‌اند وقتی پدرش از دنیا رفت، خدمت امام رضا (ع) مشرف شد و از امام رضا (ع) درباره ما ترک پدرش کسب تکلیف کرد، لذا نفس رجوع به ائمه (ع) آن هم درباره کار شخصی دال بر این است که به امامت آنها اعتقاد داشته است بنابراین در مورد حسن بن علی بن ابی حمزه هم گفته‌اند او هم مانند پدرش از وقف رجوع کرد و مستبصر شد چون خود حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی روایاتی مبنی بر امامت امام رضا (ع) نقل کرده است که این از دو حال خارج نیست؛ یا این روایات و نصوص را از باب اینکه به امامت امام رضا (ع) معتقد بوده‌اند نقل کرده‌اند که در این صورت معلوم می‌شود این پدر و پسر واقفی نبوده یا حداقل از وقف عدول کرده‌اند و یا اینکه نقل این نصوص و روایات کاشف از وثاقت این پدر و پسر است، حتی اگر به امامت امام رضا (ع) معتقد نبوده و واقفی بوده‌اند اما وقتی روایتی را دال بر امامت امام رضا (ع) نقل می‌کنند، معلوم می‌شود علیرغم عقیده شخصی خودش این روایت را بیان کرده و این دال بر وثاقت او می‌باشد چون روایتی را که مخالف عقیده‌اش بوده نقل کرده است. پس با حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی هم نمی‌شود قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» را نقض کرد.

۳- عبد الرحمن بن سالم

هم ابن ابی عمیر و هم بزنی از این شخص روایت نقل کرده‌اند. نجاشی درباره او گفته «له کتاب»، شیخ طوسی هم او را از اصحاب امام صادق (ع) برشمرده است^۱، تنها کسی که عبد الرحمن بن سالم را تضعیف کرده ابن غضائری است که قبلاً گفتیم اصحاب به تضعیفات ابن غضائری اعتنایی نمی‌کنند.

۴- مفضل بن صالح (ابو جمیله)

۱. فهرست نجاشی، رقم ۶۲۹.

۲. رجال شیخ طوسی، رقم ۷۱۱.

مفضل بن صالح از مشایخ صفوان بوده که قبلاً در مورد او بحث کردیم و نیازی به اعاده نیست، گفتیم این شخص توسط نجاشی و ابن غضائری تضعیف شده لکن گفته شد اصحاب به تضعیفات ابن غضائری اعتنایی نمی‌کنند، در مورد تضعیف نجاشی نسبت به ابو جمیله هم قبلاً گفتیم که احتمال دارد این تضعیف ناشی از همان تضعیف ابن غضائری باشد لذا تضعیفات وارد شده درباره این شخص هم نمی‌تواند قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» را نقض کند، چون در صورتی که ضعف شخص مورد نظر محرز باشد می‌تواند قاعده فوق را نقض کند و حتی اگر مهمل و مجهول هم باشند نقض محسوب نمی‌شود.

به هر حال مجموعه افرادی که این سه نفر (ابن ابی عمیر، صفوان و بزنی) از آنها روایت کرده‌اند و به نوعی تضعیف شده‌اند هیچ کدام قابلیت نقض قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» را ندارند.

«والحمد لله رب العالمین»